

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه: تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)

فائز دین‌پرست^۱، علی ساعی^{۲*}

(تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲۷، تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۷)

چکیده

موضوع این مقاله، بررسی و تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی - به عنوان یکی از ابعاد توسعه - در ایران در بازه زمانی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه است. پس از بیان مسئله تحقیق و اثبات آن، راه‌حل نظری مسئله از طریق ارزیابی انتقادی مفاهیم نظری موجود و در نهایت ساخت دستگاه نظریه ترکیبی - که محصول تلفیق سه نظریه لفت‌ویچ، نظریه دولت رانتیر و نظریه جامعه کوتاه‌مدت کاتوزیان است - بیان می‌شود. پس از تعریف عملیاتی مفاهیم، داده‌های لازم برای معرفی‌های هریک از مفاهیم دستگاه نظری تحقیق با روش مطالعه تاریخی گردآوری شده است؛ سپس با روش‌های تحلیل روایتی و جدول حضور و غیاب استوارت میل در دو سطح درون‌سیستمی و بین‌سیستمی مورد داوری قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با فرض برقراری دو شرط لازم دولت رانتیر و سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت، توسعه اقتصاد ملی ضعیف بوده است. نتایج تحقیق ضمن حمایت از سه نظریه یادشده، دستگاه نظری پژوهش را تأیید می‌کند.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

*saei.ali1@gmail.com

واژه‌های کلیدی: ایران، برنامه توسعه، توسعه اقتصاد ملی، دولت رانتیر، سیاست کوتاه مدت.

۱. بیان مسئله

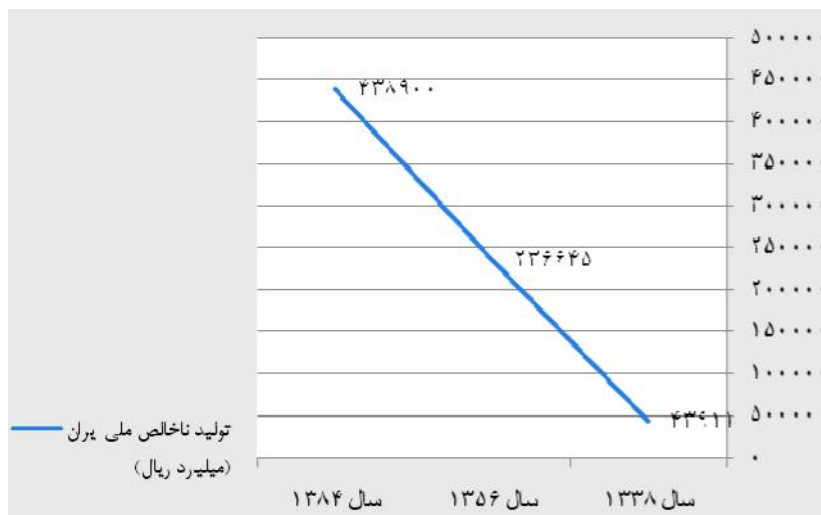
موضوع این پژوهش توسعه اقتصاد ملی در ایران است. توسعه فرایند سازمان‌دهی و بهره‌برداری منابع مادی و غیرمادی جامعه برای رسیدن به زندگی مطلوب‌تر برای افراد آن جامعه است. البته، زندگی مطلوب‌تر مفهومی مشکک است که از دیدگاه‌های مختلف و در دوره‌های گوناگون ممکن است مصادیق متفاوتی داشته باشد. در چهار سده گذشته، شرط زندگی مطلوب‌تر از رشد کمی اقتصادی صرف فراتر رفته و ابعادی مانند بهداشت، آموزش، کاهش نابرابری اجتماعی و مشارکت سیاسی را نیز دربرگرفته است (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۳۷ به نقل از Gallie, 1956؛ پیت، ۱۳۸۹). توسعه مفهومی است یکپارچه و تکامل یافته که بیش از اینکه وضعیت و نمونه عالی را نشان دهد، به فرایند گذار جوامع (در هر سطحی از توسعه) اشاره دارد. با این نگاه، هرچند توسعه مفهومی یکپارچه و چندبعدی است، در مقام مطالعه ناگزیر از تمرکز بر وجوه محدودتری از آن هستیم.

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد بحث درباره عقب‌ماندگی ایران و تلاش برای برون رفت از آن پیشینه‌ای دویست ساله دارد. در دوره اول تکاپوی توسعه، ایرانیان از اوایل قرن نوزدهم و در پی شکست از روسیه اندک‌اندک به برخی نارسایی‌های بنیادی در جامعه خود پی بردند و با اقداماتی نظیر اصلاح ارتش، اعزام دانشجویان به اروپا و تأسیس دارالفنون در پی فائق آمدن بر وضعیت نامطلوب برآمدند (بهنام، ۱۳۷۵؛ رینگر، ۱۳۸۵). در دوره دوم، به دنبال تحکیم قدرت سیاسی در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م دولت شبه‌مدرنیستی رضاشاه برنامه نوسازی اقتصادی و اجتماعی را آغاز کرد. صنایع نوین غذایی، نساجی، احداث راه آهن، تأسیس بانک ملی، تأسیس دانشگاه، ایجاد نظام حقوق عرفی مدون، یکجانشین کردن عشایر، الزام به تغییر لباس و کشف حجاب از اقدامات او در مسیر نوسازی بود (کدی، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۶۹؛ آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۷۴-۱۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۸۰؛ فوران، ۱۳۸۶: ۳۵۰-۳۶۰). در دوره سوم (از سال ۱۳۲۵) به منظور

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

پیشبرد توسعه در ایران، «برنامه‌ریزی توسعه» به صورت اصولی در دستور کار دولت ایران قرار گرفت و طی ۵۲ سال، تدوین و اجرای پنج برنامه عمرانی در رأس برنامه‌های دولت ایران بود (فرمانفرمائی، ۱۳۸۱؛ Baldwin, 1976). در دوره چهارم، وقوع انقلاب اسلامی و بی‌اعتمادی نظام سیاسی جدید به سازمان برنامه و بودجه و جنگ تحمیلی از یک سو موجب به تعویق افتادن برنامه توسعه شد؛ اما با پایان جنگ تحمیلی و آغاز دهه دوم انقلاب، ضرورت بازسازی اقتصاد درهم شکسته کشور و ایجاد زمینه‌های لازم برای بهبود وضع زندگی مردم از سوی دیگر نمایان‌تر شد. در این اوضاع، ایران در قالب برخورد مرحله‌ای با نیازهای جامعه و ضرورت توسعه کشور، همچنان ابزار برنامه‌ریزی میان‌مدت را در قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از سال ۱۳۶۸ انتخاب و آغاز کرد. در هر دوره، یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت‌های ایران در دو سده گذشته، اتخاذ راهبرد توسعه برای فائق آمدن بر مسئله عقب‌ماندگی بوده است.

با توجه به اینکه دو دوره اخیر پویش توسعه در ایران بر بعد اقتصادی توسعه تمرکز دارد، به اثبات پرابلماتیک بودن توسعه اقتصاد ملی ایران - به عنوان یکی از ابعاد توسعه - می‌پردازیم. شصت سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران البته، دستاوردهای مهمی داشته است. در سال ۱۳۳۸ (میان برنامه عمرانی دوم) تولید ناخالص ملی ایران به قیمت‌های معادل سال ۱۳۷۶، ۴۳۹۱۱ میلیارد ریال بود؛ این رقم در سال ۱۳۵۶ پایان برنامه عمرانی پنجم) به ۲۳۶.۶۴۵ میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۴ (آغاز برنامه توسعه چهارم) به ۴۳۸.۹۰۰ میلیارد ریال رسید (وبگاه بانک مرکزی). شکل شماره یک گویای تغییرات تولید ناخالص ملی ایران در سال‌های پایانی برنامه‌های عمرانی سوم، چهارم و پنجم و برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم کشور است.



شکل ۱ تولید ناخالص ملی ایران (میلیارد ریال)

هرچند برنامه‌ریزی برای توسعه موجب ارتقای برخی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در مقایسه با گذشته شده، نتوانسته است در سطح توسعه ایران در مقیاس جهانی تغییر چشمگیری ایجاد کند. در شرایطی که در سال ۱۳۵۹ درآمد سرانه ایران بر مبنای برابری قدرت خرید، ۲۹۷۳ دلار و معادل ۳۱ درصد درآمد سرانه اقتصادهای پیشرو بود، در سال ۲۰۰۵ درآمد سرانه ایران با ۴ درصد کاهش معادل ۲۷ درصد درآمد سرانه اقتصادهای پیشرو^۱ بود. این درحالی است که در سال ۱۳۵۹ درآمد سرانه ترکیه، کره جنوبی و مالزی به ترتیب ۲۱۷، ۶۷۲ و ۶۲۳ دلار کمتر از درآمد سرانه ایران بود. در سال ۱۳۶۸ (آغاز برنامه اول توسعه) درآمد ایران نسبت به درآمد سرانه این سه کشور به ترتیب ۱۳۰۷، ۳۲۵۹ و ۷۵۹ دلار کمتر بود. اجرای برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم نیز به بهبود نتایج این مقایسه منجر نشد؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۴ (آغاز برنامه چهارم) تفاوت درآمد سرانه ایران بر مبنای قدرت خرید نسبت به سه کشور یادشده به ترتیب ۱۷۳۸، ۱۳۵۱۵ و ۲۱۱۲ دلار بود^۲ (وبگاه صندوق بین‌المللی پول). شکل شماره دو این داده‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۲ نمودار درآمد سرانه بر مبنای برابری قدرت خرید

براساس شواهد می‌توان این‌گونه داوری کرد که تلاش ایرانیان برای توسعه اقتصاد ملی با موفقیت کامل همراه نبوده است. باوجود برخی پیشرفت‌ها، در مطالعه مقایسه‌ای با سطح توسعه دیگر کشورها و سطح عمومی کشورهای در حال توسعه آشکار می‌شود که جایگاه ایران کمابیش ثابت مانده است. به این ترتیب، میان واقعیت تصویر توسعه در ایران و تصور مبتنی بر نظریه توسعه ناسازگاری وجود دارد. بنابراین، مسئله این پژوهش، موانع توسعه اقتصاد ملی در جمهوری اسلامی ایران است. براساس استدلال بیان‌شده، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: توسعه اقتصاد ملی در جمهوری اسلامی ایران از منظر سیاست چگونه قابل تبیین است؟

۲. چارچوب نظری

بررسی مفاهیم و چارچوب نظری تحقیق نشان می‌دهد در تبیین توسعه، دو مجموعه از رویکردهای نظری را می‌توان کم‌وبیش از هم تمییز داد: یک مجموعه بر عوامل ساختاری تأکید

دارد و با ارجاع به عوامل ساختاری تغییرات توسعه را تبیین می‌کند؛ مجموعه دیگر هم بر عامل کارگزار تأکید دارد و تأثیر آن را بر توسعه مطالعه می‌کند.

۲-۱. رویکرد ساختارمحور

نظریه دولت رانتیر و نظریه جامعه کوتاه‌مدت کاتوزیان دو نظریه از رویکرد ساختاری هستند که در این پژوهش مورد بررسی و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

۲-۱-۱. نظریه دولت رانتیر

نظریه دولت رانتیر بر پیش‌فرض تأثیر منابع مالی در شیوه حکمرانی دولت استوار است که در قالب جامعه‌شناسی مالی^۳ مطالعه می‌شود (Backhaus, 2004). نظریه دولت رانتیر به منبع استقلال اقتصادی دولت از جامعه و نتایج سیاسی و اقتصادی آن توجه دارد. اگر بخش چشمگیری از درآمدهای یک دولت ناشی از منابعی خارج از فعالیت‌های اقتصاد ملی (مانند منابع زیرزمینی) باشد، آن‌گاه دولت مستقل از جامعه می‌شود و با کسب قدرت انحصاری، منافع خود را مستقل از منافع جامعه پیگیری خواهد کرد.

آثار ناشی از رانت به صورت زیر دسته‌بندی می‌شود:

الف. اثر رانتیر:^۴ دولت‌های رانتیر از درآمدهای نفتی خود برای کاهش فشارهای اجتماعی بهره می‌گیرند. این امر از رهگذر سه اثر زیر پدیدار می‌شود:

- اثر مالیات‌گیری:^۵ اثر مالیات‌گیری به عنوان معروف‌ترین اثر رانتیر به این معناست که به دلیل استقلال اقتصادی دولت، دولت به مالیات شهروندان نیاز چندانی ندارد و در مقابل، تقاضای عمدی برای پاسخ‌گویی حکومت نیز اندک است.

- اثر هزینه‌ها:^۶ دولت‌های رانتیر می‌توانند از قبل درآمدهای نفتی گروه‌های حامی خود را تشکیل دهند و تقویت کنند و با کسب نوعی مشروعیت کارکردی از فشارها برای پاسخ‌گویی بکاهند.

- اثر شکل‌گیری گروه:^۷ دولت‌های رانتیر می‌توانند با توزیع منابع رانتی از شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی مستقل که به صورت بالقوه زمینه‌ساز دموکراسی هستند، جلوگیری کنند.

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

ب. اثر سرکوب:^۸ منابع حاصل از رانت به دولت‌های رانتیر این امکان را می‌دهد که بیشتر برای امنیت داخلی هزینه کنند و به این ترتیب با گسترش دستگاه سرکوب، خواسته‌های شهروندان را نیز سرکوب کنند.

ج. اثر نوسازی:^۹ درآمد نفت توان سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی را تقویت نمی‌کند و تخصصی شدن مشاغل را که لازمه دموکراسی است به‌دنبال ندارد (Mahdavy, 1970; Beblawi, 1987; Ross, 2003).

در نقد نظریه دولت رانتیر می‌توان گفت این نظریه در عین اینکه دارای یافته‌های نظری ارزشمند برای تبیین مسئله توسعه در کشورهای غنی از منابع طبیعی است، از کفایت کامل برای تبیین مسئله برخورداری نیست. خصلت تقلیل‌گرایانه این نظریه را می‌توان ضعف آن تلقی کرد. رویکرد صرفاً اقتصادی به دولت و نوع رابطه آن با جامعه، پژوهشگر را از فهم سایر متغیرهای مستقل و کلیدی مؤثر بر مسئله بازمی‌دارد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۴۷). نظریه دولت رانتیر نظریه‌ای است تک‌علتی و ایستا که توان لازم را برای درک پیچیدگی‌ها و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع ندارد. برای مثال، این نظریه نمی‌تواند این واقعیت را تبیین کند که چرا دولت نروژ با فروش روزانه بیش از یک میلیون بشکه نفت، یعنی معادل ۴۰ درصد صادرات روزانه نفت ایران در سال ۲۰۱۱ م (BP, 2011)، نه تنها دارای هیچ‌یک از ویژگی‌ها و آثار غیرتوسعه‌ای پیش‌گفته دولت رانتیر نیست؛ بلکه در جدول توسعه انسانی با امتیاز ۰.۹۴۳ رتبه نخست را به خود اختصاص داده است (UNDP, 2011).

۲-۱-۲. نظریه جامعه کوتاه‌مدت کاتوزیان

صورت‌بندی منطقی نظریه کاتوزیان به این شکل است:

- اگر مالکیت خصوصی به‌مثابه حق وجود نداشته باشد (P)، آن‌گاه طبقات اجتماعی مستقل وجود نخواهد داشت (Q). اگر طبقات اجتماعی مستقل نباشند (Q)، آن‌گاه دولت فراتر از طبقات اجتماعی و خودکامه خواهد بود (R). اگر دولت خودکامه باشد (R)، آن‌گاه چارچوب حقوقی پایدار (قانون) وجود نخواهد داشت (S). اگر چارچوب حقوقی پایدار نباشد (S)، آن‌گاه تغییرات اجتماعی کوتاه‌مدت و ناپایدار خواهد بود (T).
- توسعه نیازمند انباشت سرمایه و امری درازمدت است (U).
- تئورم: تغییرات کوتاه‌مدت مخل توسعه است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱).

۲-۲. رویکرد کارگزارمحور

نظریه‌های لفت‌ویچ و انتخاب عمومی از نظریه‌های رویکرد کارگزاری هستند که در این پژوهش مورد بررسی و استفاده قرار گرفته‌اند.

۲-۲-۱. نظریه لفت‌ویچ

توسعه از برخی عوامل تأثیر می‌پذیرد؛ ازجمله ثبات داخلی (اعم از دموکراتیک یا غیردموکراتیک)، پذیرش در بازارهای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، روابط حسنه با اقتصادهای مسلط، استقلال نسبی دولت، زیربنای سالم و دستگاه اجرایی توانا، کاهش فساد، حداقل توافقی میان گروه‌ها و مناطق درباره اهداف رشد و قوانین باز برای دستیابی به آن و افزایش روزافزون برابری منطقه‌ای و اجتماعی در زمینه توزیع هزینه‌ها، و سود حاصل از رشد اقتصادی. عوامل مؤثر نام‌برده از سیاست به معنای الگوهای همکاری، کشمکش و مذاکره بر سر استفاده، تولید و توزیع در جامعه مایه می‌گیرند.

نتیجه: توسعه محصول سیاست‌های توسعه‌گرایانه است که توسط دولت توسعه‌گرا-مستقل از شکل دموکراتیک یا غیردموکراتیک دولت-اعمال می‌شود (لفت‌ویچ، ۱۳۷۸، ۱۳۸۵ و ۱۹۹۵).
نقد: نظریه لفت‌ویچ توانایی تشریح توسعه را با توجه به امر سیاست دارد؛ اما نمی‌تواند مکانیسم‌های علی بین توسعه، سیاست و دولت توسعه‌گرا را تبیین کند. برای مثال روشن نیست که سیاست توسعه‌گرایانه منشأ دولت توسعه‌گراست یا دولت توسعه‌گرا مبدأ سیاست توسعه‌گرایانه. از سوی دیگر، برخی شروطی که در این نظریه بر توسعه مؤثر قلمداد شده‌اند (مانند پذیرش در بازارهای بین‌المللی یا افزایش برابری منطقه‌ای و اجتماعی) بیش از آنکه عامل توسعه باشند، محصول توسعه هستند.

۲-۲-۲. نظریه انتخاب عمومی

تمام هستی‌های اجتماعی ترکیب منطقی از افراد هستند و موجودیتی فراتر از افراد تشکیل‌دهنده ندارند (فردگرایی روش‌شناختی). این افراد نیز در هر مقام و جایگاهی که باشند، خواسته‌ها و منافع نامحدود دارند که برای تحقق آن حسابگرانه رفتار می‌کنند. سیاست،

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

ساختاری پیچیده از مبادلات میان افراد در نظر گرفته می‌شود؛ ساختاری که فرد در آن به دنبال دستیابی به اهداف فردی تعریف‌شده خود از طریق سازکاری جمعی است. نتیجه: دولت مرکب از افراد است و برای شناخت عملکرد دولت و تحلیل آن باید به مطالعه انگیزه‌ها و کنش‌های سیاست‌مداران پرداخت.

این گزاره دربردارنده این نکته است که در نظام دموکراسی، سیاست‌مداران حاکم همیشه چنان عمل می‌کنند که تعداد رأی‌دهندگان به خود را به حداکثر برسانند. درواقع، دولت نقش کارآفرینی را ایفا می‌کند که به جای تولید محصول درازای دریافت پول، سیاست‌های خود را درقبال کسب آرای بیشتر به فروش می‌رساند. علاوه بر این، حاکمان برای کسب آرای لازم باید با سایر رقبای رقابت کنند؛ همان‌گونه که دو یا چند انحصارگر در تلاش برای افزایش فروش کالاهایشان در بازار با یکدیگر رقابت می‌کنند. همان‌طور که مشتریان رضایت خود را از یک کالا با پرداخت قیمت و خرید آن اظهار می‌کنند، در عرصه سیاسی نیز مردم رضایت خود را از یک سیاست با رأی دادن به حامیان آن ابراز می‌کنند. همچنین، می‌توان نتیجه گرفت که شهروندان نیز مانند سیاست‌مداران، رفتاری عقلایی در گزینش خود دارند. هریک از آنان انتخابات را دقیقاً ابزاری تلقی می‌کنند که به وسیله آن حکومتی انتخاب می‌شود که بیشترین منافع را برایشان به همراه داشته باشد. هر شهروندی میزان مطلوبیت درآمدی خود را با توجه به اقدامات پیش‌بینی شده یا مورد انتظار سیاست‌مداران حاکم درمقابل رقبای دیگر برآورد می‌کند (گانینگ، ۱۳۸۵؛ کاپوراسو، ۱۳۸۷؛ Mueller, 2003; Tolluk, 2002).

نظریه انتخاب عمومی از سه دیدگاه قابل نقد است:

الف. عقلانیت محدود^{۱۱} به جای عقلانیت مطلق: منتقدان انتخاب عمومی برآن‌اند که برخلاف باور این دیدگاه، عقلانیت محدود کنشگران را راهبری می‌کند نه عقلانیت مطلق؛ از این رو بازیگران به مثابه ارضاکنندگان و نه بیشینه‌ساز منافع عمل می‌کنند. به دیگر سخن، تصمیم‌گیرندگان تا زمانی که منفعت به سطحی پایین‌تر از سطح رضایت‌بخش سقوط نکرده است، به کار خود ادامه می‌دهند. در صورت کاهش منفعت از سطح رضایت‌بخش، جست‌وجو برای جایگزینی که از آن یک منفعت ارضاکننده به دست آید، آغاز می‌شود. ضمن آنکه این جست‌وجو اغلب در گستره خود بسیار محدود خواهد بود و زمانی که

تصمیم‌گیرنده به جایگزینی قانع‌کننده دست یابد، پایان می‌یابد؛ حتی اگر این جایگزین بهینه هم نباشد (وارد، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۳۹).

ب. نقد عقلانیت به‌عنوان راهبر انحصاری انسان: براساس تحلیل منطقی و شواهد تجربی، بسیاری از رفتارهای افراد را در عالم خارج نمی‌توان برحسب انگیزه بیشینه‌سازی منفعت تبیین کرد. عقلانیت انسان مفهومی فراتر و وسیع‌تر از بیشینه‌سازی منفعت است و در آن مفاهیمی مانند انجام تعهدات، نوع‌دوستی، حسادت و انصاف نیز سهیم است (لیتل، ۱۳۷۳: ۹۸-۱۰۲). چنین نیست که انگیزه‌های افراد فقط بازتابی از منافع شخصی آنان باشد. برای مثال، انگیزه‌هایی مانند حسادت، حس انتقام، نوع‌دوستی و حرص می‌توانند بر کنش افراد اثر بگذارند؛ اگرچه این اثرگذاری در خودآگاه افراد ادراک نشود. مدارک و شواهد تجربی نشان می‌دهند افراد اغلب در زندگی سیاسی به‌شکلی نوع‌دوستانه عمل می‌کنند. برای مثال، هرچند توقعات اقتصادی شخصی ممکن است بر طبقه رأی دادن افراد تأثیر داشته باشد، براساس مدارک درخور توجه، وضع عمومی اقتصاد نیز اهمیت دارد. به این ترتیب، رأی‌دهندگان اغلب درباره رفاه دیگران نیز نگران‌اند. همچنین، زمانی که افراد مطابق با هنجارهای اجتماعی عمل می‌کنند، به‌نظر می‌رسد به‌نوعی منافع شخصی خود را انکار می‌کنند (وارد، ۱۳۸۴: ۱۳۸). بر اثر این انتقادات، نظریه انتخاب عمومی با حفظ اصل مفروضات خود، آن‌ها را قدری تعدیل کرده است و به‌جای بیان گزاره مطلق، قید «اکثری» را برگزیده است: «اکثر مردم، اکثر اوقات برای حفظ منافع خود خردمندانه رفتار می‌کنند».

ج. نقد روش‌شناختی انتخاب عمومی: انتخاب عمومی بر فردگرایی روش‌شناختی استوار است و کارکرد نهاد حکومت را معادل عملکرد افراد درون می‌داند. گزاره بنیادین آن نیز بیشینه‌سازی منافع بازیگر سیاسی در مرحله تصمیم‌گیری است. این نقد متوجه علیت تام و کارگزاری تمام فرد و انتخاب مبتنی بر منفعت اوست. از این منظر هرچند می‌توان با اصل گزاره تعیین‌کنندگی منفعت شخصی در انتخاب‌ها همراهی کرد، در عین حال کفایت تحلیلی این مدعا و پاسخ‌گویی آن با تردید مواجه است. به دیگر سخن، تردیدی در اینجا پیش می‌آید و آن این است که آیا سیاست‌مداران- که کارکرد حکومت چیزی جز تصمیم‌های آن‌ها نیست- انگیزه‌های خود را در خلأ به‌دست آورده‌اند و آن‌ها را به‌صورت کاملاً آزادانه و دلخواه پیگیری می‌کنند.

هریک از نظریه‌های نام برده بخشی از واقعیت را بیان می‌کنند. در نظریه‌های ساختاری، توسعه تابع تغییر در ساختارهای اجتماعی-اقتصادی است؛ اما وجود مصادیقی که مثال نقض این نظریه‌ها هستند، کفایت آن‌ها را مخدوش می‌کند. از سوی دیگر، در نظریات کارگزارمحور نیز از زمینه‌های ساختاری غفلت شده است. با توجه به مفاهیم اصلی نظریه‌ها و استدلال‌های بیان‌شده، دستگاه نظری پژوهش با بهره‌گیری از امکانات تحلیلی این نظریات و از طریق بازسازی عقلانی-مفهومی ارائه می‌شود. نظریه‌های دولت رانتیر و کاتوزیان به‌عنوان نظریه‌های ساختارگرا و نظریهٔ لغت‌ویچ به‌عنوان نظریه‌ای کارگزارمحور، به‌لحاظ منطقی، قابلیت تلفیق را دارند. از رهگذر تلفیق این سه نظریه، دستگاه نظری پژوهش به‌صورت زیر فرموله می‌شود:

ضعف توسعهٔ اقتصاد ملی > (سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت & دولت رانتیر)

منطق استدلال نظری به این صورت است که هر یک از دو شرط دولت رانتیر و سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت شرط علی لازم برای ضعف توسعهٔ اقتصاد ملی هستند. بر مبنای منطق قیاسی-قانونی، فرضیهٔ پژوهش از این قرار است: اگر شرایط دولت رانتیر و سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت برقرار باشد، آنگاه توسعهٔ اقتصاد ملی ایران ضعیف خواهد بود.

۳. تعریف عملیاتی مفاهیم

تعریف عملیاتی به‌معنای تجربی‌سازی مفاهیم و برقراری ارتباط بین مفهوم انتزاعی و مصادیق آن در واقعیت است. معرف‌های حاصل از تعریف عملیاتی بر ابعاد و نشانه‌های قابل سنجش مفهوم دلالت دارند (ساعی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۶).

- دولت رانتیر: هر دولتی که میزان چشمگیری از رانت‌های خارجی را به‌شکلی منظم دریافت می‌کند، دولت رانتیر نامیده می‌شود. از نظر بیلای^{۱۲} (۱۹۸۷: ۸۸)، دولتی که حداقل ۴۲ درصد درآمد آن از محل رانت‌های خارجی باشد، دولت رانتیر است. در این پژوهش از تعریف عملیاتی بیلای استفاده شده است. برای محاسبهٔ سهم منابع رانتی در درآمدهای دولت، سهم درآمد حاصل از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای شامل صادرات نفت و گاز و برداشت از حساب ذخیرهٔ ارزی در بودجه‌های سالیانه محاسبه می‌شود (خلعتبری، ۱۳۸۲).

- سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت: سیاست عبارت‌است از تصمیم‌های رسمی و برون‌دادهای حکومت (هیوود، ۱۳۸۹: ۵۷۰-۵۹۶). با توجه به نقش کلیدی سند برنامه توسعه در تخصیص منابع، معرف‌های این مفهوم عبارت‌اند از: ۱. افزایش غیرواقعی منابع؛ ۲. افزایش مصارف برنامه توسعه (کردبچه، ۱۳۸۵: ۶۰-۶۲)؛ ۳. جهت‌گیری حمایت‌گرایانه و توزیعی تغییرات اعمالی مجلس در مفاد لوایح برنامه توسعه.

- توسعه اقتصاد ملی: مراد از توسعه اقتصاد ملی، افزایش قدرت اقتصادی کشور از رهگذر افزایش تولید ناخالص داخلی است.^{۱۳} معرف این مفهوم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت^{۱۴} است. این معرف حاصل حذف آثار تورم بر تولید ناخالص داخلی اسمی است و ارزش کل فعالیت‌های اقتصادی را براساس ارزش پول در سال پایه بیان می‌کند. تولید ناخالص داخلی سرانه بر مبنای قیمت‌های ثابت، معرف مشارکت هریک از شهروندان جامعه در فعالیت‌های اقتصادی است (ارباب، ۱۳۸۸: ۶۹).

معرف‌های این مفهوم عبارت‌اند از: مقایسه نسبت تولید ناخالص سرانه ایران به تولید ناخالص داخلی سرانه در پنج گروه^{۱۵} محاسبه شده است: ۱. متوسط جهانی؛ ۲. میانگین کشورهای پردرآمد؛^{۱۶} ۳. میانگین کشورهای دارای درآمد متوسط رو به بالا؛^{۱۷} ۴. میانگین کشورهای دارای درآمد متوسط؛^{۱۸} ۵. میانگین کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴.^{۱۹} با توجه به معرف‌های یادشده، شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران با فرمول زیر ساخته می‌شود:

$$IED = \frac{\text{مجموع نسبتهای پنجگانه}}{5}$$

۴. روش پژوهش

داده‌های این پژوهش به روش تاریخی (اسنادی) گردآوری شده است. با توجه به اینکه موضوع این پژوهش (توسعه) پدیده‌ای تاریخی است و پدیده‌های تاریخی ماهیتی فرایندی، زمینه‌مند و زمانمند دارند، ناگزیر باید در مطالعه آن‌ها از روش تاریخی بهره گرفت. فرایندی بودن به این معناست که رخداد توسعه به مثابه پدیده اجتماعی، امری دفعی و مقطعی نیست؛ بلکه دستیابی به حدی از توسعه یافتگی مستلزم سیر منظم و دامنه‌دار و توأم با فراز و نشیب است؛ ضمن اینکه بنابه تعریف توسعه، اساساً این مفهوم درون خود دارای مضامین استمرار است. از سوی

دیگر، زمانمندی و زمینه‌مندی هم به این معناست که رخداد توسعه نسبت به شرایط زمانی و زمینه‌های اجتماعی خود بی‌اعتنا نیست.

در مقام داوری، در این پژوهش با التزام به معیار هدف (و نه داده‌ها)^{۲۰} در شناسایی روش تاریخی - تطبیقی، این روش بر مبنای روش‌شناسی ترکیب‌گرایانه به کار گرفته شده است. در این مبنا، تفسیر تاریخی و تبیین قانونی حضور هم‌زمان دارند. روش‌شناسی ترکیب‌گرایانه با هدف بهره‌گیری هم‌زمان از عمق رویکرد تفسیری و دقت رویکرد تبیین قانونی، مستلزم نگاه به واقعه مورد تحقیق از دو دیدگاه است: نخست، واقعه تحقیق به مثابه امری خاص^{۲۱} و منحصر به فرد در زمینه تاریخی معین تلقی می‌شود. بر اساس این، تحلیل واقعه نیز از رهگذر بررسی تسلسل حوادثی که در مرحله نهایی به تولید واقعه تحقیق منجر شده است، انجام می‌شود. تفسیر تاریخی شیوه‌ای است که بر مبنای آن فرایندی، زمینه‌مند و زمانه‌مند بودن واقعه تحلیل می‌شود. در مرحله دوم، واقعه خاص به مثابه نمونه یا شاهدی از واقعه عام است. تبیین واقعه خاص از طریق قوانین کلی ناظر به واقعه عام^{۲۲} است که علت واقعه خاص نیز بر اساس نظم قیاسی از قوانین کلی قابل استنتاج است (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۵).

داده‌های تجربی تاریخی را می‌توان در دو سطح تحلیل کرد: ۱. تحلیل درون‌سیستمی یا درون‌موردی؛ ۲. تحلیل بین‌سیستمی یا بین‌موردی. کاربست تفسیر تاریخی در تحلیل درون‌سیستمی و کاربست تبیین در تحلیل بین‌سیستمی است. در تحلیل تطبیقی - تاریخی، نخست هر مورد به مثابه یک کل با روش تفسیری بررسی می‌شود، سپس موردها با روش تبیینی مقایسه می‌شوند. به کارگیری این روش امکان دست‌یابی به پیچیدگی علی را فراهم می‌آورد (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

در سطح تحلیل درون‌سیستمی از روش تحلیل روایتی استفاده می‌کنیم. البته، ذکر این نکته ضروری است که با توجه به ماهیت معرف‌های دولت رانتیر، از تحلیل توصیفی کمی و روش آماری میانگین برای متغیرهای این مفهوم استفاده می‌کنیم. به عبارت دیگر، در سطح درون‌سیستمی از روش تحلیل روایتی - که روشی کیفی است - استفاده می‌شود؛ اما به اقتضای برخی متغیرها، روش کمی نیز در این تحلیل به کار خواهد رفت. در سطح بین‌سیستمی نیز از جدول توافق و اختلاف استوارت میل استفاده می‌شود.

۵. واحدهای تحلیل و مشاهده

در این پژوهش کشور، دوره‌های زمانی واحد تحلیل را تشکیل می‌دهد. منظور از کشور، ایران است و منظور از دوره‌های زمانی، دوره‌های برنامه اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. با توجه به ماهیت پژوهش، واحد مشاهده نیز اسناد رسمی و متون تاریخی است. برای یافتن شواهد مرتبط با تعریف‌های عملیاتی این مقاله، به متون دست‌اول و دوم مراجعه شده است. اغلب اسناد مورد بررسی این پژوهش را بانک اطلاعاتی سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی، گزارش‌های رسمی، متن لوایح، قوانین برنامه‌های توسعه و گزارش‌های بانک جهانی تشکیل می‌دهد.

۶. تحلیل تجربی

تحلیل تجربی در دو سطح انجام شده است: تحلیل توصیفی^{۲۳} و تحلیل تبیینی^{۲۴}. در تحلیل توصیفی، چگونگی توزیع داده‌های تجربی هریک از معرف‌های مفاهیم نظریه به‌صورت جداگانه در دوره‌های تحقیق بررسی شده است. در تحلیل تبیینی هم راه‌حل نظری مسئله از طریق گزاره‌های مشاهده‌ای مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. تحلیل تبیینی در سطح بین‌سیستمی انجام شده است.

۱-۶. تحلیل توصیفی

در سطح درون‌دوره‌ای با استفاده از روش‌های آماری و نیز روش تحلیل روایتی، داده‌های تجربی هریک از مفاهیم تحقیق بررسی شده‌اند.

۱-۱-۶. دولت رانتیر

در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۱ که درآمدهای نفتی به‌ترتیب ۱۲، ۱۸، ۱۶ و ۱۶/۸۸ میلیارد دلار بود، وابستگی بودجه دولت به عواید نفت به‌ترتیب معادل ۴۷/۷، ۵۹/۹، ۵۱/۱ و ۵۲ درصد بود. در سال ۱۳۷۲ با توجه به یک‌نرخ‌ی کردن قیمت ارز (هر دلار معادل ۱۶۴۶ ریال)، نسبت درآمدهای نفتی مندرج در بودجه به کل درآمدها یکباره به ۷۰ درصد رسید.

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

جدول ۱ داده‌های تجربی میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی در دوره برنامه اول توسعه

سال	کل درآمدهای بودجه (میلیارد ریال)	درآمد نفت در بودجه (میلیارد ریال)	نسبت درآمد نفتی در بودجه به کل درآمدها (درصد)
۱۳۶۸	۳۱۷۴/۶	۱۵۱۵/۱	۴۷/۷
۱۳۶۹	۵۶۳۲/۵	۳۳۷۵/۱	۵۹/۹
۱۳۷۰	۶۹۳۳/۵	۳۵۴۹/۴	۵۱/۱
۱۳۷۱	۹۸۸۴/۵	۵۱۴۵/۹	۵۲
۱۳۷۲	۲۰۵۰۰/۷	۱۴۶۸۳/۲	۷۱.۶
دوره اول	۴۶۱۲۵/۸	۲۸۲۶۷/۷	۶۱.۲
۱۳۷۴	۴۱۴۲۷/۷	۲۹۴۳۱/۲	۷۱
۱۳۷۵	۵۷۱۲۱/۹	۳۸۱۵۳	۶۶/۷۹
۱۳۷۶	۶۲۳۷۸/۱	۳۶۴۴۶/۷	۵۸/۴
۱۳۷۷	۵۳۶۲۶	۲۲۵۳۰	۴۲
۱۳۷۸	۹۲۳۱۵/۷	۴۴۳۴۴	۴۸
دوره دوم	۲۱۴۵۵۳/۷	۱۷۰۹۰۴/۹	۷۶/۶
۱۳۷۹	۱۰۴۶۴۰/۸	۵۹۴۴۸/۵	۵۶/۸
۱۳۸۰	۱۲۸۸۵۹/۶	۷۱۹۵۷/۱	۵۵/۸
۱۳۸۱	۲۲۹۹۶۳	۱۳۸۵۰۲/۴	۶۰
۱۳۸۲	۲۷۶۱۹۱/۸	۱۸۴۲۶۰/۹	۶۶/۷
۱۳۸۳	۳۳۷۴۴۸	۲۱۵۹۱۹/۳	۶۴
دوره سوم	۱۰۷۷۱۰۳/۲	۶۷۰۰۸۸/۲	۶۲/۲

(منبع: وبگاه بانک مرکزی)

در این دوره، سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای عمومی دولت بین حداقل ۴۷/۷ درصد (در سال ۱۳۶۸) و حداکثر ۷۰ درصد (در سال ۱۳۷۲) در نوسان بوده است؛ در هر حال با توجه به شاخص تعیین‌شده برای دولت رانتیر، دولت ایران در این سال‌ها رانتیر به‌شمار می‌آید. در دوره برنامه دوم توسعه نیز هیچ‌گاه سهم درآمدهای نفتی در ترکیب درآمدهای دولت از حد تعیین‌شده در شاخص دولت رانتیر پایین‌تر نرفت. حداقل این نسبت در این دوره در سال ۱۳۷۷ به میزان ۴۲ درصد بود که بر اثر کاهش قیمت هر بشکه نفت خام تا حدود ۱۱ دلار حاصل شد. در سال ۱۳۷۴ نیز این نسبت به حداکثر این دوره یعنی ۷۱ درصد رسید. در دوره برنامه سوم توسعه، دولت ایران با توجه به معرف دولت رانتیر، همچنان در رده دولت‌های رانتیر قرار دارد. در این دوره، کمترین میزان وابستگی دولت به درآمد رانتی ۵۵.۸ درصد بوده است.

۶-۱-۲. سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت

رویکرد اصلی حاکم بر برنامه اول توسعه، رویکرد معطوف به تخصیص منابع بود. در این رویکرد، کارکرد سند برنامه مانند سند بودجه، اجازه دادن قانون‌گذار به دولت برای کسب منابع و هزینه کردن آن است. از نظر شکل حقوقی نیز ساختار سند برنامه مانند سند بودجه از ماده‌واحد و چندین تبصره تشکیل شده است. به این ترتیب، تفاوت اصلی این دو سند نیز در افق زمانی طولانی‌تر برنامه نسبت به بودجه است. چنین رویکردی در برنامه‌ریزی موجب می‌شود دستگاه‌های اجرایی بیش از آنکه به عارضه‌یابی درونی و ارتقای کارایی و اثربخشی خود بپردازند، درگیر رقابت منفی برای نمایش وضعیت نابسامان و استحقاق دریافت بیشتر منابع می‌شوند. از این رو، وجه توزیعی برنامه بر وجه تولیدی آن چیره می‌شود (نیلی، ۱۳۸۴). در این رویکرد، ماده‌واحد و تبصره‌ها به مهم‌ترین بخش برنامه تبدیل می‌شوند. اعمال نظر مجلس در برنامه نیز اغلب در قالب تغییرات در تبصره‌ها خودنمایی می‌کند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۴۴ تبصره پیشنهادی دولت را به ۵۲ تبصره تغییر دادند. از این میان، ۱۹ مورد عیناً پیشنهاد دولت است؛ ۱۶ مورد از پیشنهادهای دولت در مجلس حذف شد؛ ۲۰ تبصره به لایحه دولت افزوده شد و در ۹ مورد نیز پیشنهاد دولت با تغییرات به تصویب رسید. از میان ۹ تبصره اخیر، ۲ مورد در حد تغییرات عبارتی، ویرایشی

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

یا سازکار اجرایی بود و در ۷ مورد هم تغییرات تبصره‌ها شامل تغییر مؤثر در برنامه بود. نمایندگان مجلس در ماده واحده برنامه، سقف اعتبارات عمرانی و جاری برنامه را ۱۰/۶۶ درصد افزایش دادند. همچنین، سقف اجازه استفاده از اعتبارات بانکی برای تأمین اعتبارات عمومی با ۹.۹۵ درصد افزایش به مبلغ ۷۳۹۳ میلیارد ریال رسید. بند «د» تبصره ۱۰ لایحه دولت - که به ممنوعیت افزایش کلی سقف اعتبارات عمرانی برنامه تصریح داشت - با رأی نمایندگان حذف شد.

از میان شانزده تبصره حذف شده، دست کم هشت مورد به طور مستقیم ناظر به جهت‌گیری‌های توسعه‌گرایانه برنامه، مطابق با راهبرد آزادسازی اقتصادی بود. نمایندگان مجلس سوم تبصره ۱۸ لایحه پیشنهادی دولت را حذف کردند؛ این تبصره متضمن اعطای اجازه به دولت برای واگذاری مؤسسه‌ها و مراکز فرهنگی، هنری، سیاحتی و آموزشی فرسوده یا غیر مقرون به صرفه و اختصاص معادل درآمد آن برای نوسازی و توسعه امور مشابه بود. همچنین براساس تبصره ۱۹ و ۲۰ لایحه پیشنهادی دولت، مقرر بود در گام نخست خصوصی‌سازی، صنایع مادر و بزرگ احصا و حداکثر یک سوم سهام این بنگاه‌ها به بخش عمومی غیردولتی واگذار شود. همچنین، دولت اجازه یافت تمام یا قسمتی از سهامش را در شرکت‌های صنعتی و بازرگانی (به جز صنایع مادر و بزرگ) به بخش عمومی یا خصوصی تعاونی بفروشد و معادل درآمدهای حاصل از آن را در امور نوسازی، توسعه و سرمایه‌گذاری جدید صنعتی هزینه کند. نمایندگان مجلس این دو تبصره مهم را حذف کردند. از دیگر موارد محذوف لایحه در فرایند تصمیم‌گیری نمایندگان می‌توان به این موارد اشاره کرد: الزام دولت برای تشکیل مرکز توسعه فناوری صنعتی و حمایت از فعالیت‌های تحقیق و توسعه در حوزه فناوری صنعتی و معدنی (تبصره‌های ۲۱ و ۲۲)، الزام دولت به بازنگری در قانون معادن به منظور جلب مشارکت بیشتر معدن‌کاران غیردولتی (تبصره ۲۴)، الزام دولت به بازنگری در قانون کار با هدف توجه بیشتر به حمایت از تولید در جهت صیانت از نیروی کار (تبصره ۲۶)، بازنگری در اساسنامه و فعالیت مرکز توسعه صادرات، تجدید سازمان صندوق ضمانت صادرات به منظور تحرک بیشتر صادرات (تبصره‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱)، حذف معافیت‌ها و انحصارات دولتی در مورد

بررسی قیمت کالاهای مصرفی نهایی وارداتی (تبصره ۳۴) و ممنوعیت استخدام نیروی زیر دیپلم در دستگاه‌های دولتی (تبصره ۳۹). به این ترتیب، از میان شانزده تبصره محذوف به‌جز سه مورد، همگی ناظر به جهت‌گیری‌های توسعه‌گرایانه برنامه بوده است.

از تبصره‌های افزوده‌شده برنامه اول توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تبصره‌های ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۵۰ و ۵۱ ماهیت ایجاد درآمد جدید برای دستگاه‌های خاص (به‌ترتیب سازمان حفاظت از محیط زیست، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، قوه قضائیه، وزارت کشاورزی، شهرداری‌ها و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) داشته و تصویب آن‌ها مرهون رایزنی‌های دستگاه‌ها و نگاه بخشی کمیسیون‌های تخصصی مجلس است. تبصره ۴۹ نیز دربردارنده تکلیف دولت برای افزایش سرمایه بانک کشاورزی است که آن‌هم از حیث ماهیت، در دسته تبصره‌های حمایتی دستگاه‌ها طبقه‌بندی می‌شود.

تبصره‌های ۳۰، ۳۷ و ۳۸ ناظر به تشکیل شورای عالی الگوی مصرف و تعیین تکلیف چگونگی تعیین شبکه‌های مجاز توزیع کالا است که اساساً با راهبرد آزادسازی اقتصادی برنامه در تعارض است. تبصره‌های ۴۱ و ۴۲ قانون برنامه اول توسعه نیز- که نمایندگان مجلس سوم آن‌ها را به لایحه افزودند- دربردارنده مداخله‌ای تعرفه‌ای و ارزی برای حمایت از تولیدات داخلی است که همچنان با راهبرد اصلی برنامه در تعارض است.

تبصره ۵۲ قانون برنامه اول توسعه- که توسط مجلس شورای اسلامی به لایحه افزوده شد- متضمن ممنوعیت صدور هرگونه موافقت اصولی و نیز سرمایه‌گذاری دولتی، صنعتی، کشاورزی و دامی برای مراکز استان‌های برخوردار است که بدون توجه به مزیت‌های نسبی، فقط با نگاه توزیعی در پراکندگی صنایع و بنگاه‌ها تصویب شده است. چنین روندی در تبصره‌های تغییریافته نیز دیده می‌شود. درحالی که تبصره ۱۱ لایحه پیشنهادی دولت شامل تکلیف دولت بر تهیه برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی استان‌ها با خط مشی آمایش سرزمینی و منوط بودن هرگونه سرمایه‌گذاری جدید به انجام این تکلیف بود؛ مجلس در تبصره ۶ قانون برنامه این مضمون را به تکلیف دولت به «احیا و توسعه بخش‌های محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای» تبدیل کرد. اقدامات مورد نظر تبصره شش

قانون برنامه اول مانند بند «الف» جزء ۳ بند «ح»، بیش از آنکه بر نگاهی جامع استوار باشد، برآمده از ارزیابی اولیه و بدون توجه به مزیت‌ها و محدودیت‌های مناطق مختلف است؛ حال آنکه مفهوم آمایش سرزمینی مورد نظر دولت تمام این موارد را با لحاظ مزیت‌ها و محدودیت‌های مناطق مورد توجه قرار می‌داد.

تبصره ۳۶ و ۴ قانون برنامه اول توسعه برخلاف راهبرد آزادسازی اقتصادی بدون توجه به مزیت‌های نسبی، بخش کشاورزی و آب و جهاد سازندگی را بر سایر بخش‌ها اولویت می‌داد. نمایندگان مجلس با افزودن شش بند به تبصره ۲۹، مجوز ایجاد سقف تعهد ارزی جدید معادل حداقل ۱۸/۴ میلیارد دلار برای تکمیل و احداث طرح‌های بزرگی مانند هفت واحد کشت و صنعت نیشکر (با تأکید بر دستیابی به خودکفایی در تولید شکر)، سدهای کارون ۳ و ۴، کرخه و گاو میشان، سرمایه‌گذاری در میدان‌های گازی پارس و پارس جنوبی و پتروشیمی را صادر کردند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸ الف و ۱۳۶۸ ب). تصویب این طرح‌ها بدون مطالعه همه‌جانبه و کارشناسی در سازمان برنامه و بودجه و فقط براساس نگاه بخشی کمیسیون تخصصی و وزارتخانه اجرایی در مجلس رقم خورد (احمدی امویی، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

تغییرات اعمال‌شده توسط نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی در لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دربردارنده این موارد است: افزایش منابع و سقف تعهدات ارزی، حمایت غیررقابتی از تولید داخلی، حمایت از کارگران، حمایت از گروه‌های فاقد دانش و مهارت کافی، مداخله دولت در توزیع و مصرف کالاها، سرمایه‌گذاری دولت در برخی طرح‌های مهم زیربنایی و تولیدی و رویکرد توزیعی در پراکنش بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های عمومی. درحالی که جهت‌گیری لایحه پیشنهادی دولت اغلب به‌سوی الگوی نئوکلاسیک توسعه اقتصادی و راهبرد آزادسازی اقتصادی بود، تغییرات اعمال‌شده در مجلس بیشتر رنگ و بوی حمایت‌گرایانه و کنترل‌ی داشت. در این دوره معرف‌های سه‌گانه این مفهوم حضور داشتند.

در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، مجلس شورای اسلامی در مرحله تصویب نهایی تغییراتی بسیار گسترده در این برنامه انجام داد؛ به گونه‌ای که مصوبه نهایی فاقد هماهنگی و ارتباط منطقی بین اجزا بود. مجلس شورای اسلامی پس از تقدیم لایحه برنامه دوم توسط هیئت دولت استدلال کرد که تصویب برنامه مستلزم ارزیابی دقیق عملکرد برنامه اول و بررسی بیشتر برنامه دوم با توجه به تجربه های گذشته است. بنابراین، با یک سال تعویق دوره برنامه به سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۸ تغییر یافت؛ اما پس از آن عملاً مجلس به دبیرخانه تدوین مجدد برنامه تبدیل شد و قانون برنامه دوم را با ۱۶ هدف کلی و خط مشی‌های آن، ماده‌واحد و ۱۰۱ تبصره قانونی و نیز برخی جدول‌های اعتبارات در تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۷۳ تصویب کرد.

برنامه دوم نیز مانند برنامه اول در چارچوب رویکرد سنتی تدوین شده بود. از این‌رو، آنچه توسط مجلس بررسی شد، اغلب ماده‌واحد و تبصره‌های برنامه بود. هفت مورد از تغییرات و افزوده‌های مجلس در لایحه پیشنهادی دولت دربردارنده کاهش منابع برنامه (ماده‌واحد)،^{۲۵} اجازه سرمایه‌گذاری خارجی (بند «ه» تبصره ۲۲)، اجازه عملیات بیع متقابل (بند «و» تبصره ۲۲)، تشکیل شورای عالی صادرات غیرنفتی و پیش‌بینی اقدامات برای حمایت از صادرات غیرنفتی (تبصره ۲۵)، تصریح بخش خصوصی و تعاونی به جای بخش غیردولتی (تبصره ۴۱)، ایجاد نظام اطلاع‌رسانی تجاری (تبصره ۲۶) و اصلاح و بهسازی نظام اداری و ساختار دستگاه‌های اجرایی (تبصره‌های ۳۲ و ۳۳) بود که مؤید توسعه به‌شمار می‌آیند.

بیست و چهار مورد از تغییرات یا افزوده‌های مجلس دربردارنده مواردی مثل اصلاح عبارتی یا حقوقی (مانند تبصره‌های ۱۸، ۲۸، ۴۴ و ۸۶) بود که تغییر غیرمؤثر در محتوای برنامه قلمداد می‌شود. ۳۱ مورد از تغییرات یا تبصره‌های افزوده مجلس دربردارنده مواردی مانند ذکر مصادیق و تفصیل اقدامات اجرایی (۸ مورد شامل تبصره‌های ۲۱، بندهای «الف»، «و»، «ط» تبصره ۲۲، ۳۹، ۶۰، ۵۷ و ۵۸)، تأکید بر مفاد قوانین موجود (۵

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

مورد تبصره ۴، ۳۸، ۵۵، ۷۴ و ۹۸) و تحدید حدود اختیارات قوه مجریه (۱۸ مورد از جمله بند «ح» تبصره ۲۶، ۱۹، تبصره ۶۴، بند «ح» تبصره ۲۲) بود. هرچند این تغییرات تأثیر حقوقی مهمی بر برنامه نداشت، جهت‌گیری محتوایی مورد تأکید نمایندگان را نشان می‌دهد. نمایندگان مجلس در این موارد اغلب همسو با جهت‌گیری‌های حمایتی یا کنترلی خود، تغییراتی در تبصره‌ها ایجاد کردند که نمایندگان در سایر تبصره‌ها ضمانت‌های اجرایی لازم را برای آن‌ها پیش‌بینی کرده بودند.

چهل و هشت مورد از تغییرات و افزوده‌های مجلس در لایحه برنامه دوم توسعه، در جهت‌گیری برنامه تغییر جدی ایجاد می‌کرد. نمایندگان مجلس در هشت مورد (بندهای «ی» و «ک» تبصره ۲۲ و تبصره‌های ۱، ۲۱، ۷۳، ۷۵ و ۲۷) ضمن اولویت دادن به بخش کشاورزی و تصویب حمایت‌های تعرفه‌ای از محصولات کشاورزی، به تداوم پرداخت یارانه به بخش کشاورزی، افزایش قیمت خرید محصولات کشاورزی، حفظ کاربری اراضی کشاورزی، تشکیل شورای عالی کشاورزی، برقراری تسهیلات تکلیفی و اولویت در پرداخت اعتبارات بخش و نیز دست‌یابی به خودکفایی در محصولات غذایی و دامی رأی دادند. این تغییرات جهت‌گیری حمایت از تولید داخلی و راهبرد جایگزینی واردات را دنبال می‌کرد.

نمایندگان مجلس در تبصره ۱۶ قانون برنامه دوم توسعه، سیاست تداوم پرداخت یارانه را جایگزین سیاست حذف تدریجی پرداخت یارانه (موضوع تبصره ۴ لایحه پیشنهادی دولت) کردند. در تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم توسعه، نمایندگان شتاب پیشنهادی دولت را برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی و برق و آب کاهش دادند. همچنین، در تبصره‌های ۲۰ و ۲۷ به ترتیب پرداخت یارانه آب شرب و نهاده‌های کشاورزی را مورد تأکید قرار دادند. نمایندگان با حذف تبصره ۱۹ پیشنهادی دولت، با حذف یارانه شرکت‌های هواپیمایی در طول برنامه مخالفت کردند. حذف تبصره ۲۰ پیشنهادی دولت در مجلس نیز به معنای مخالفت نمایندگان با افزایش تعرفه‌های پست و مخابرات بود. همچنین، نمایندگان مجلس با حذف تبصره ۲۶ لایحه پیشنهادی دولت، مخالفت خود را با اخذ

هزینه دروس مردودی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ابراز کردند. به این ترتیب، تمام مواردِ ناظر به واقعی کردن قیمت‌ها از برنامه دوم توسعه حذف شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ترتیب در تبصره‌های ۴۲ و ۵۰ قانون برنامه، بر حمایت از ايثارگران و بسیجیان در واگذاری زمین‌های کشاورزی و تأمین معیشت نیروهای مسلح تأکید کردند. تبصره ۱۳ پیشنهادی دولت متضمن ضوابطی برای تسهیل واگذاری واحدهای دولتی بود که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی حذف شد.

نمایندگان دوره چهارم مجلس در تبصره ۱۱ قانون برنامه، برنامه حمایتی دولت درمورد مناطق محروم را به روستاهای محروم محدود کردند. در بند ۱ این تبصره، اجازه آغاز طرح‌های عمرانی جایگزین پیشنهاد دولت شد که فقط ادامه طرح‌های عمرانی برنامه اول را مجاز می‌شمرد. به این ترتیب، نمایندگان شرایطی را فراهم کردند که طی برنامه دوم حجم عظیمی از طرح‌های عمرانی در مقیاس روستایی آغاز شود؛ طرح‌هایی که معمولاً به دلیل کمبود منابع، مدت‌ها بیش از زمان مقرر صرف تکمیل و بهره‌برداری از آن‌ها می‌شد.

مفاد تبصره‌های ۴۷، ۵۲ و ۵۳ شامل سیاست‌های حمایتی مالی و غیرمالی مجلس از برخی دستگاه‌ها به ترتیب شامل بسیج، سازمان قضایی نیروهای مسلح و قوه قضائیه بود. در تبصره ۵۶ قانون برنامه دوم توسعه، نمایندگان حمایت‌های مالی گسترده از صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) را تصویب کردند. تبصره ۵۹ نیز دریافت عوارض به نفع سازمان صدا و سیما را قانونی کرد. در همین راستا بند «ب» تبصره ۶۰ نیز حمایت از صدا و سیما را مورد تأکید قرار داد. تبصره‌های ۶۷ و ۶۸ قانون برنامه دوم نیز به ترتیب ناظر به اختصاص عوارض به نفع تربیت بدنی و تأمین اراضی مورد نیاز تربیت بدنی بود. مفاد تبصره ۷۰ قانون برنامه دوم توسعه دارای دو بند و چهار جزء در حمایت از وزارت اطلاعات بود. مضمون تبصره ۹۲ نیز حمایت از آموزش عالی غیردولتی بود که

البته در سال ۱۳۷۳ (زمان بررسی و تصویب قانون برنامه دوم توسعه) دانشگاه آزاد اسلامی تنها مصداق آموزش عالی غیردولتی بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴).

در جمع‌بندی مطالب باید گفت نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی در بررسی لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، عملاً در مسیر تدوین مجدد برنامه گام نهادند. تغییرات اعمالی آن‌ها اغلب شامل افزایش گستره مصرف اعتبارات عمرانی مناطق محروم، حمایت از کشاورزی، راهبرد جایگزینی واردات، حمایت از گروه‌های محروم و طبقات اجتماعی خاص و برخی دستگاه‌های حکومتی، تداوم برقراری یارانه و مداخله در اختیارات مدیریتی دولت بود. به این ترتیب هرچند معرف نخست مفهوم سیاست تأمین رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان در این دوره وجود نداشت،^{۲۷} معرف دوم آن یعنی افزایش مصارف برنامه و معرف سوم آن یعنی جهت‌گیری حمایت‌گرایانه و توزیعی تغییرات اعمالی مجلس در این دوره حاضر بود.

تجربه دو برنامه پیشین و رویارویی سیاست‌مداران با برخی مشکلات ساختاری اقتصاد ایران- که موجب تغییر در الگوی برنامه‌ریزی میان‌مدت در ایران شد- مدیران سازمان برنامه و بودجه وقت را بر آن داشت تا پیش از تقدیم رسمی لایحه به مجلس، با رئیس و برخی نمایندگان مؤثر دوره پنجم مجلس شورای اسلامی در مورد محتوای پیشنهادی برنامه سوم رایزنی کنند (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). در بررسی برنامه سوم در مجلس، ۵۵ ماده از ۲۰۰ ماده پیشنهادی دولت بدون تغییر در مجلس تصویب شد. در ۱۵ ماده فقط تغییرات ویرایشی و در ۲۳ ماده نیز اصلاحات حقوقی اعمال شد. ۱۶ مورد از تغییرات نیز ناظر به اصلاح ترکیب اعضا یا روش اجرایی مواد برنامه بود که تقریباً در جهت‌گیری‌های برنامه تأثیر جدی نداشت. در بررسی برنامه در مجلس، برخی جهت‌گیری‌های مهم لایحه برنامه سوم در مجلس حفظ شد.

پنج مورد از مواد الحاقی مجلس شورای اسلامی به لایحه برنامه سوم، شامل مواردی بود که مؤید جهت‌گیری برنامه بود. نمایندگان مجلس با الحاق تبصره ۴ به ماده ۴، به محدود کردن زمینه فعالیت شرکت‌های دولتی رأی دادند که موافق جهت‌گیری برنامه در

کوچک‌سازی دولت و تنظیم انحصارات بود. همچنین با الحاق بند «ز» به این ماده، دولت موظف به بازنگری مقررات روابط کار در مدت شش ماه شد. نمایندگان مجلس با الحاق دو بند به ماده ۳۶ برنامه، دولت را به تهیه لایحه لغو انحصار و پرهیز از هرگونه تبعیض بین بخش دولتی و غیردولتی - شامل بخش تعاونی و خصوصی - در انجام معاملات بخش عمومی و دولتی مکلف کردند. این امر زمینه‌ساز توسعه رقابت و برقراری فرصت‌ها و شرایط برابر برای هر سه بخش فعال اقتصاد کشور بود. در بند الحاقی جدید به ماده ۹۰، به دولت اجازه داده شد حداکثر ۴۹ درصد سهام بانک‌ها را به عموم مردم، با اولویت دادن به کارکنان بانک‌ها و ایشارگران، واگذار کند. همچنین با الحاق ماده ۹۸ به لایحه مجلس، اجازه فعالیت بانک‌های غیردولتی را صادر کرد. در بند «ج» الحاقی به ماده ۱۱۵، دولت موظف شد تسهیلات لازم برای حضور فعال شرکت‌ها و مؤسسه‌های فنی و مهندسی ایرانی را در بازارهای جهانی فراهم آورد و بر آن نظارت کند. با الحاق ماده ۲ به فصل «اصلاح ساختار اداری و مدیریت»، دولت مکلف شد به منظور کاهش تصدی‌ها و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت، نسبت به اصلاح تشکیلات کلان دولت اقدام کند. با اصلاح ماده ۳۴ لایحه پیشنهادی دولت، امکان فعالیت بخش غیردولتی در عملیات اکتشاف و استخراج نفت (علاوه بر عملیات پایین‌دستی نفت) فراهم شد. در ماده ۶۹ الحاقی به فصل نظام مالیاتی و بودجه، دولت مکلف شد لایحه بودجه سالیانه را به نحوی تنظیم کند که کسری احتمالی از طریق استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی کشور تأمین نشود. از افزوده‌های مجلس به لایحه دولت در جهت‌گیری برنامه، بند «د» ماده ۱۱۸ بود که به موجب آن دولت مکلف شد ساختار شرکت‌های دولتی وابسته به وزارت نفت و وزارت نیرو را اصلاح کند.

تغییرات اعمالی مجلس در هفده مورد، در تقابل با جهت‌گیری لایحه بود. به منظور شفاف کردن عملیات اقتصادی شرکت‌های دولتی، پیشنهاد دولت در ماده ۵ حاوی این نکته بود که چنانچه بر اثر تکلیف دولت هریک از شرکت‌های دولتی کالا و خدمات خود را کمتر از قیمت تعیین‌شده براساس ضوابط تعیین‌شده بفروشد، مابه‌تفاوت آن تا

قیمت تعیین‌شده از سوی دولت پرداخت خواهد شد. در بررسی این ماده در مجلس شورای اسلامی، محدودیتی به آن افزوده شد مبنی بر اینکه دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی مجاز نیستند سالیانه بیش از ۱۰ درصد، قیمت کالاها و خدمات خود را افزایش دهند. نمایندگان مجلس پنجم در ماده ۱۰ برنامه با هدف حمایت از ايثارگران، اولويت واگذاري شرکت‌های دولتی را به آن‌ها دادند. اعطای امتیاز و تسهیلات به ايثارگران در مواد ۱۳۱، بند «ج» ماده ۱۳۷ و بند ۲ ماده ۱۵۵ نیز مورد توجه قرار گرفت. همچنین، نمایندگان در ماده ۳۸ برنامه، بیمه بیکاری را به مجموع خدمات بیمه همگانی افزودند. نمایندگان دوره پنجم مجلس با حذف بند «ب» ماده ۴۰ لایحه، با افزایش سن بازنشستگی مخالفت کردند. دولت در ماده ۴۷ لایحه برنامه سوم پیشنهاد کرده بود که پس از شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط، با حذف یارانه از خانوارهای با درآمد بالا و حفظ سهم یارانه خانوارهای با درآمد متوسط، سهم یارانه خانوارهای کم‌درآمد را افزایش دهد. نمایندگان در طول برنامه سوم با حذف این سیاست، به حفظ روش و میزان پرداخت یارانه در برنامه دوم رأی دادند. در ماده ۴۸ لایحه پیشنهادی دولت مقرر شده بود که یارانه نهاده کشاورزی به تدریج حذف شود و با افزایش قیمت تضمینی محصولات اساسی کشاورزی - که با استفاده از منابعی که به دلیل عدم اعطای یارانه حاصل می‌شود - نسبت به خرید محصولات اساسی اقدام شود. با اصلاحی که به تصویب مجلس رسید، مقرر شد دولت همچنان یارانه نهاده‌های کشاورزی را پرداخت کند و هم‌زمان قیمت تضمینی محصولات اساسی کشاورزی را افزایش دهد؛ به نحوی که قیمت داخلی با هزینه خرید از خارج محصولات نام‌برده برابری کند. این امر برخلاف سیاست رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی برنامه بود. دولت در ماده ۱۰۳ لایحه پیشنهاد کرده بود که به منظور اصلاح الگوی مصرف آب و استفاده بهینه از منابع آبی کشور تحویل آب به صورت حجمی، و قیمت‌گذاری آن براساس الگوی مصرف بهینه باشد. این پیشنهاد با مخالفت مجلس روبه‌رو شد و دولت مکلف شد نسبت به تدوین نظام

بهره‌برداری و ایجاد تشکلهای بهره‌برداری آب و خاک اقدام کند و آب مصرفی آنها را براساس قانون تثبیت نرخ آب‌بهای زراعی قیمت‌گذاری کند.

دولت در ماده ۵۱ لایحه پیشنهاد کرده بود به‌منظور ایجاد اشتغال، قسمتی از سود تسهیلات اعطایی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تعاونی‌ها در مناطق کمتر توسعه‌یافته، تعاونی‌های خدمات تولیدکنندگان، تعاونی‌های تولید روستایی، عشایری و بهره‌برداری از منابع طبیعی و طرح‌های خوداشتغالی را پرداخت کند. نمایندگان مجلس علاوه بر این سیاست، مقرر کردند معافیت‌های مالیاتی و معافیت حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه‌گذارانی که در این مناطق سرمایه‌گذاری می‌کنند، برقرار شود. در بند ۳ این ماده مقرر شد تسهیلات اعطایی در قالب بودجه‌های سنواتی و آیین‌نامه‌های اجرایی آنها به‌نحوی تقسیم شود که سهم مناطق کمتر توسعه‌یافته به‌نسبت شاخص بیکاری آنها بیشتر باشد. افزوده‌های مجلس به این ماده در راستای سیاست اشتغال‌زایی بدون توجه به مزیت نسبی مناطق و بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری بود.

نمایندگان مجلس با الحاق بند «ج» به ماده ۲۰، بند «ص» به ماده ۶۹ و بند «ب» به ماده ۱۷۳ به‌ترتیب اختصاص ۲ درصد درآمدهای ناشی از فروش سهام شرکت‌ها، فروش دارایی‌ها، اجاره شرکت‌ها به بسیج، تدوین منابع تقویت و توسعه بسیج استان توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها و اختصاص یک درصد سود ناخالص داخلی تمام شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها را جهت توسعه بسیج تصویب کردند.

با الحاق بند «ه» به ماده ۳ لایحه، نمایندگان مجلس پنجم پرداخت پاداش خدمت معادل یک ماه آخرین حقوق و فوق‌العاده‌ها را به‌ازای سنوات خدمت هریک از کارکنان بازنشسته دولت تصویب کردند. براساس بند «ز» نیز مجموع دریافتی کارکنان دولت باید در هر سال متناسب با میزان تورم افزایش می‌یافت.

در تبصره الحاقی به ماده ۷۳ دولت مکلف شد در سال اول برنامه ۲۶ درصد کل اعتبارات عمرانی را به استان‌ها اختصاص دهد و طی سال‌های برنامه، سالیانه ۶ درصد بر اعتبارات عمرانی استان‌ها بیفزاید؛ به‌گونه‌ای که در سال پایانی برنامه، ۵۰ درصد

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

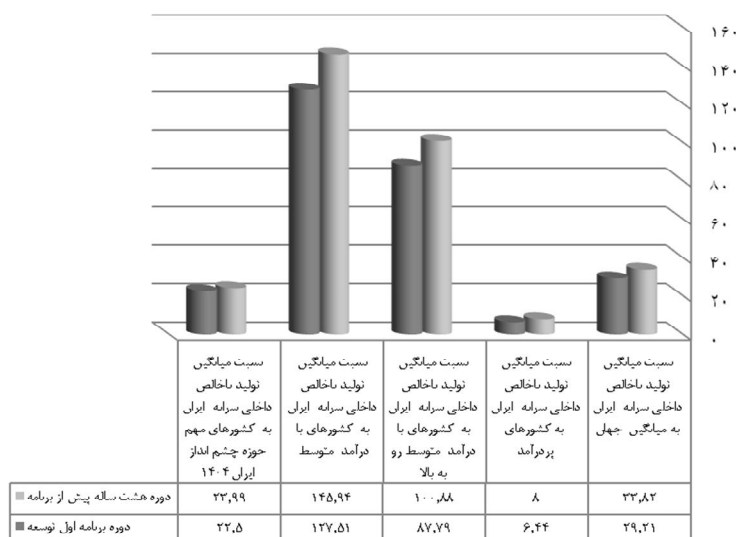
اعتبارات عمرانی به استان‌ها اختصاص یافت. افزایش سریع سهم اعتبارات عمرانی استان‌ها به منزله توجه به طرح‌های استانی است که به لحاظ ماهیت کوچک و اغلب در جهت عرضه خدمات اجتماعی هستند. این امر به معنای کاهش منابع برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های ملی بود که بیشتر زیربنایی هستند. بند «ج» الحاقی مجلس به ماده ۱۳۵ مقرر کرد دولت همه‌ساله اعتبارات خاصی را در لوایح بودجه به‌نحوی پیش‌بینی کند که تا پایان برنامه تمام روستاهای بالای بیست خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹).

با توجه به تغییرات انجام‌شده در ساختار برنامه سوم و خروج آن از الگوی بودجه‌ای، معرف‌های افزایش منابع و مصارف برنامه در این دوره سالبه به انتفاء موضوع است. درمورد معرف سوم با توجه به شواهد تجربی می‌توان گفت با اینکه برخی تغییرات اعمال‌شده در برنامه سوم همسو با جهت‌گیری آزادسازی اقتصادی بود، همچنان در موارد مهمی مانند حفظ پارانه‌ها، توجه به طرح‌های عمرانی خدماتی، تقویت معیشت کارکنان دولت و ایثارگران و حمایت از برخی دستگاه‌ها، جهت‌گیری حمایتی نمایندگان دیده می‌شود. البته، درمقام مقایسه با دو برنامه پیشین از شدت این معرف نیز کاسته شده است.

۶-۱-۳. توسعه اقتصاد ملی

در دوره اول، اقتصاد ایران ۸ درصد رشد داشته است؛ اما با توجه به جمعیت کشور، تولید ناخالص داخلی سرانه در این دوره با $4/3$ - درصد کاهش نسبت به هشت سال پیش از برنامه - که کشور درگیر جنگ بود - از ۱۴۰۰ دلار به ۱۳۳۹ دلار رسید (وبگاه بانک جهانی). چنان‌که شکل شماره سه نشان می‌دهد، در این دوره، اقتصاد ملی ایران نسبت به هریک از گروه‌های مورد بررسی در دوره پیش از برنامه ضعیف‌تر شده است.

شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران در دوره پیش از برنامه ۶۲/۵۳ بود که این شاخص در دوره اول با حدود ۸ واحد کاهش به ۵۴/۶۹ رسید.

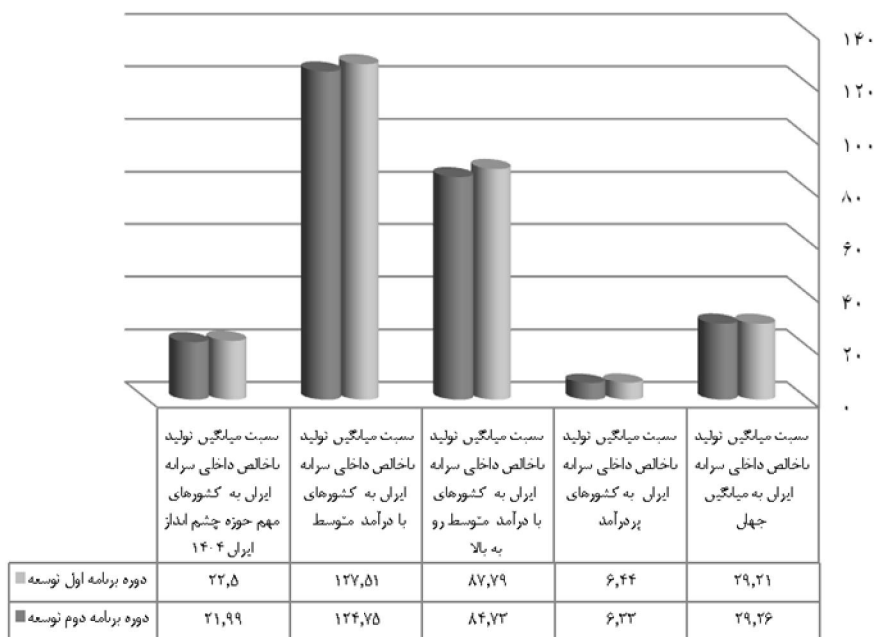


شکل ۳ نمودار مقایسه‌ای نسبت میانگین تولید ناخالص داخلی ایران در دوره اول (برنامه اول توسعه)

در دوره دوم، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰م، با ۸/۳ درصد افزایش به ۱۴۵۱ دلار رسید. در دوره برنامه دوم توسعه، اقتصاد ملی ایران در مقایسه با دوره برنامه اول، نسبت به هریک از گروه‌های کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران (کشورهای با درآمد متوسط، درآمد متوسط رو به بالا و پردرآمد) ضعیف‌تر شد. در این دوره، نسبت تولید ناخالص داخلی سرانه ایران به متوسط تولید سرانه جهان افزایشی معادل ۰/۴۳ درصد داشت. از این شواهد چنین برمی‌آید که در این دوره کشورهای کم‌درآمد و کشورهای دارای درآمد کمتر از متوسط فقیرتر شدند؛ به گونه‌ای که باوجود افزایش نسبی تولید ناخالص داخلی سرانه در سه گروه کشورهای پردرآمد، دارای درآمد متوسط رو به بالا و دارای درآمد متوسط، ارزش متوسط تولید سرانه جهان کمتر شده است. این نکته در پژوهش حاضر به این معناست که بهبود شاخص نسبت درآمد تولید ناخالص سرانه ایران به متوسط جهانی بیش از آنکه معلول

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

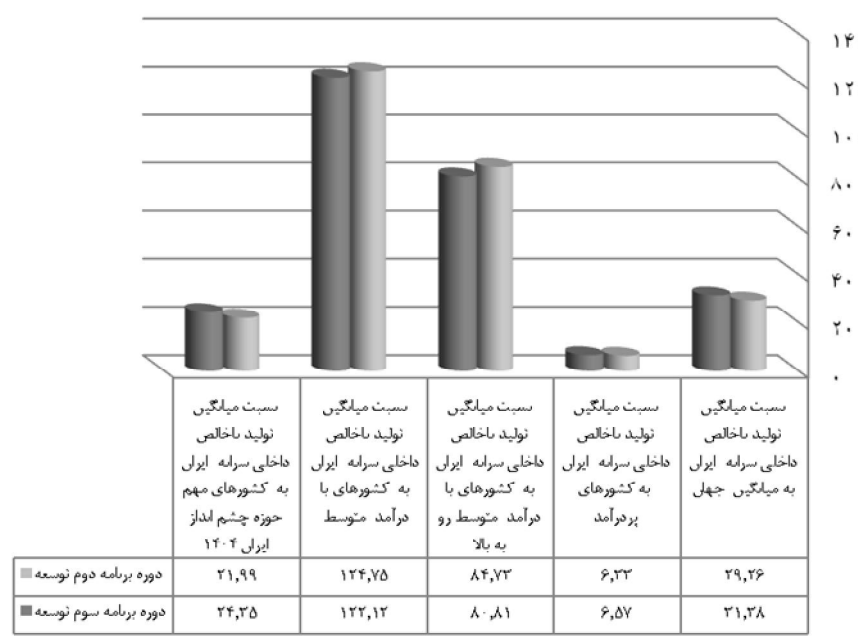
تقویت اقتصاد ایران باشد، مرهون فقر فزاینده کشورهای دارای اقتصاد ملی ضعیف بوده است. شاخص توسعه اقتصاد ملی در این دوره با ۲ واحد کاهش به ۵۲/۷۰ رسید.



شکل ۴ میزان رشد میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه بر مبنای قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ در دوره دوم

در دوره سوم پژوهش، نسبت میانگین تولید ناخالص سرانه ایران در مقایسه با کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ بیش از ۲ درصد افزایش یافت. همچنین، فاصله تولید ناخالص داخلی سرانه ایران با کشورهای پردرآمد نیز اندکی کمتر شد و در همین حال نسبت میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه ایران به متوسط جهانی معادل ۱/۷۴ درصد کاهش یافت. باوجود بهبود این شاخص‌ها، اقتصاد ملی ایران در مقایسه با کشورهای دارای درآمد متوسط معادل ۰/۵۲ درصد و در مقایسه با کشورهای هم‌گروه خود از نظر درآمدی (کشورهای دارای درآمد متوسط رو به بالا) ۲ درصد ضعیف‌تر شد. در دوره برنامه سوم هرچند عملکرد بهتری در زمینه توسعه اقتصاد ملی مشاهده می‌شود، می‌توان عملکرد این برنامه را اغلب در حد حفظ

وضع موجود اقتصاد ملی ایران ارزیابی کرد (نک شکل ۵). شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران در این دوره به میزان ناچیز ۰/۳ واحد افزایش داشت. نمودار مقایسه‌ای نسبت میانگین تولید ناخالص داخلی ایران در دوره سوم



شکل ۵ نمودار مقایسه‌ای میانگین تولید ناخالص داخلی ایران در دوره سوم

۲-۶. تحلیل تبیینی

پس از تحلیل توصیفی در سطح درون‌سیستمی، اینک در مرحله تبیینی، راه‌حل نظری مسئله در سطح بین‌سیستمی مورد داوری تجربی قرار می‌گیرد. در این سطح موردها با همدیگر مقایسه می‌شوند.

با مراجعه به شواهد تجربی در بخش تحلیل توصیفی مشاهده می‌شود که در تمام دوره‌های پژوهش - که شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران وضعی کمابیش ثابت داشته است - ماهیت دولت ایران رانتیر بوده است. میانگین شاخص وابستگی بودجه به درآمد رانتی نفت در

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

دوره‌های سه‌گانه پژوهش به‌ترتیب ۵۶/۱، ۵۷/۲۳ و ۶۰/۶۶ درصد بوده است. با توجه به معرف تجربی انتخاب‌شده برای مفهوم دولت رانتیر، هر دولتی که وابستگی بودجه آن به منابع رانتی بیش از ۴۰ درصد باشد، رانتیر به‌شمار می‌آید.

شواهد تجربی نشان می‌دهد سیاست‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره اول پژوهش دربردارنده افزایش منابع و سقف تعهدات ارزی، حمایت غیررقابتی از تولید داخلی، حمایت از کارگران، حمایت از گروه‌های فاقد دانش و مهارت کافی، مداخله دولت در توزیع و مصرف کالاها، سرمایه‌گذاری دولت در برخی طرح‌های مهم زیربنایی و تولیدی، رویکرد توزیعی در پراکنش بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های عمومی است. درحالی که جهت‌گیری لایحه پیشنهادی دولت به‌سوی الگوی نئوکلاسیک توسعه اقتصادی و راهبرد آزادسازی اقتصادی بود، تغییرات اعمال‌شده در مجلس بیشتر رنگ و بوی حمایت‌گرایانه و کنترلی داشت. در این دوره، معرف‌های سه‌گانه مفهوم سیاست تأمین رضایت فوری انتخاب‌کنندگان شامل افزایش منابع برنامه، افزایش مصارف برنامه و جهت‌گیری حمایتی تغییرات اعمالی حضور داشتند.

در دوره دوم پژوهش نیز با اینکه مجلس به‌جای بررسی و تصویب برنامه، در مسیر تدوین برنامه گام نهاد، معرف اول مفهوم حضور نداشت؛ اما تغییرات اعمالی نمایندگان اغلب دربردارنده این موارد بود: افزایش گستره مصرف اعتبارات عمرانی مناطق محروم، حمایت از کشاورزی، راهبرد جایگزینی واردات، حمایت از گروه‌های محروم و طبقات اجتماعی خاص و برخی دستگاه‌های حکومتی، تداوم برقراری یارانه و مداخله در اختیارات مدیریتی دولت. بدین ترتیب در این دوره، معرف دوم یعنی افزایش مصارف برنامه و معرف سوم مفهوم یعنی جهت‌گیری حمایت‌گرایانه و توزیعی تغییرات اعمالی مجلس حضور داشتند.

با توجه به تغییرات انجام‌شده در ساختار برنامه سوم و خروج آن از الگوی بودجه‌ای، معرف‌های افزایش منابع و مصارف برنامه در این دوره سالبه به انتفاء موضوع بود. درمورد معرف سوم با توجه به شواهد تجربی یادشده، می‌توان گفت با اینکه برخی تغییرات در برنامه سوم همسو با جهت‌گیری آزادسازی اقتصادی بود، همچنان در موارد مهمی مانند حفظ یارانه‌ها، توجه به طرح‌های عمرانی خدماتی، تقویت معیشت کارکنان دولت و

ایثارگران و نیز حمایت از برخی دستگاه‌ها، جهت‌گیری حمایتی نمایندگان دیده می‌شود. در دوره سوم پژوهش در مقایسه با دو برنامه پیشین، از شدت این معرف نیز کاسته شد. بهبود نسبی شاخص توسعه اقتصاد ملی در دوره سوم و تغییر ساختار برنامه سوم- که به حذف شرایط امکان افزایش منابع و مصارف برنامه منجر شد- و نیز کاهش شدت معرف سوم مفهوم در مقایسه با دو دوره پیش، نشان می‌دهد میان سیاست‌های تصویب‌شده در مجلس و توسعه ملی رابطه مستقیم وجود دارد.

چنان‌که پیشتر بیان شد، در سطح تحلیل بین‌دوره‌ای و به‌منظور تحلیل تبیینی مسئله پژوهش از روش جدول حضور و غیاب استوارت میل استفاده می‌شود. در این روش، نخست جدولی از موارد (دوره‌ها) و مفاهیم تشکیل داده می‌شود. در این جدول، حضور و غیاب مفاهیم برای هریک از موردها انجام می‌شود.

جدول ۲ حضور و غیاب مفاهیم

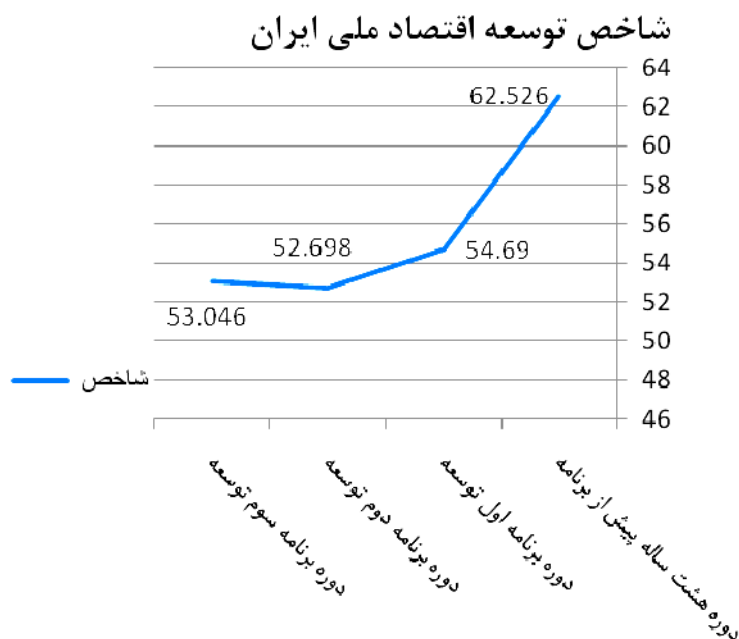
دوره‌ها	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم
شاخص توسعه اقتصاد ملی شرط علی	۵۴/۶۹	۵۲/۷۰	۵۳/۰۵
دولت رانتیر	حضور	حضور	حضور
سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت	حضور	حضور	حضور

جدول حضور و غیاب نشان می‌دهد در هر سه دوره، هر دو شرط علی (دولت رانتیر و سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت) حاضر بوده‌اند. در هر سه دوره نیز- آن‌گونه که در شکل شماره شش دیده می‌شود- توسعه اقتصاد ملی ایران وضعی کمابیش ثابت داشته است.

در طول دوره‌های سه‌گانه پژوهش، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران نسبت به کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ بهبود اندکی داشته است؛ ضمن اینکه اجرای برنامه‌های توسعه سه‌گانه به حفظ موقعیت دوره هشت‌ساله بیش از برنامه‌های ایران (۱۳۶۰-۱۳۶۸) در مقایسه با کشورهای پردرآمد، دارای درآمد متوسط، دارای درآمد

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

متوسط رو به بالا و میانگین جهانی نیز نینجامیده است. روند تغییرات شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران در نمودار زیر دیده می‌شود.



شکل ۶ شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران

۷. نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین موانع توسعه اقتصاد ملی در ایران است. پژوهش با بیان مسئله و اثبات آن آغاز شد و سپس برای تبیین مسئله، نظریه‌های موجود مورد بررسی انتقادی قرار گرفت. دستگاه نظری پژوهش با رهگذر تلفیق نظریه دولت رانتیر، نظریه لفت‌ویچ و نظریه کاتوزیان ساخته شد. فرضیه پژوهش نیز بر مبنای منطق قیاسی - قانونی از دستگاه نظری استنتاج شد. گام دوم حل مسئله، تبیین تجربی بود. برای برقراری رابطه منطقی میان راه‌حل نظری و داوری تجربی، تعریف عملیاتی مفاهیم فرضیه‌ها بیان شد. در ادامه، داده‌های تجربی

برای معرف‌های هریک از مفاهیم تحقیق گردآوری شد. سرانجام با روش‌های تحلیل روایتی و جدول حضور و غیاب استوارت میل، فرضیه‌های پژوهش مورد داوری تجربی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌گذاری‌های مجلس در مسیر توسعه ایران- که دارای دولتی رانتیر است- معطوف به تأمین رضایت زود هنگام شهروندان است. سیاست‌گذاری در افق کوتاه‌مدت موجب سوق دادن منابع به‌سوی تأمین نیازهای فوری مردم بدون توجه به ارزش اقتصادی و توسعه‌ای شده است.

دلالت نظری: یافته‌های تجربی پژوهش نظریه دولت رانتیر را نیز حمایت می‌کند. از سوی دیگر براساس یافته‌های پژوهش، پیگیری منافع کوتاه‌مدت در دوره پژوهش با ضعف توسعه اقتصاد ملی رابطه مستقیم دارد. پس نتایج این پژوهش نظریه کاتوزیان را نیز تأیید می‌کند. درمورد پیامد یافته‌های تجربی بر نظریه این تحقیق، می‌توان چنین داوری کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای درباب توسعه اقتصاد ملی با تبیین نظری سازگار است. در هر سه دوره تحقیق که نظام سیاسی برنامه‌های توسعه را برای رسیدن به هدف توسعه با تأکید بر بعد اقتصادی آن در دستور کار قرار داده بود، وضعیت توسعه اقتصاد ملی ایران حتی نتوانست وضعیت دوره ۵۹ تا ۶۷ را که کشور درگیر جنگ بود، حفظ کند. در میان دوره‌های سه‌گانه پژوهش، در دوره سوم شاخص توسعه اقتصاد ملی اندکی بهبود یافت. در همین دوره، متغیرهای دولت رانتیر و سیاست‌گذاری حمایتی مجلس نیز ثبات نسبی داشتند.

دلالت‌های عملی: براساس یافته‌های این پژوهش، دو شرط علی وابستگی دولت به درآمدهای رانتی و سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت در ضعف توسعه اقتصاد ملی ایران نقش تعیین‌کننده دارند. تغییر مثبت در این عوامل، زمینه‌های ساختاری توسعه اقتصاد ملی را فراهم می‌کند. اما درمقام مقایسه، ایجاد تغییر در وابستگی دولت به درآمدها نفتی بسیار دشوارتر از تغییر در مسیر سیاست‌گذاری است. تجربه حساب ذخیره ارزی که در برنامه سوم توسعه به تصویب رسید و عملکردهای غیر قابل قبول آن تأکیدی بر دشواری ایجاد تغییر در شرط دولت رانتیر است. البته، هرگونه تلاش برای تغییر در وابستگی دولت به درآمد رانتی نفت نیز مقوله‌ای سیاست‌گذارانه است.

با توجه به این نکته می‌توان دریافت که راه‌حل مسئله، در ایجاد تغییر در سیاست‌گذاری به‌نحوی است که به‌جز منافع زود هنگام مردم، منافع درازمدت جامعه و مردم نیز در

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

سیاست‌گذاری مجلس نقش جدی داشته باشد. برای حل این مشکل در بسیاری از کشورها، پارلمان دومجلسی است. مجلس اول رابطه مستقیم‌تری با شهروندان دارد و منافع و خواست‌های فوری آن‌ها را نمایندگی می‌کند؛ مجلس دوم که با سازکاری نخبه‌گرایانه از سوی مردم انتخاب می‌شود، منافع بلندمدت جامعه را نمایندگی می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. اقتصادهای پیش‌رو، براساس دسته‌بندی صندوق بین‌المللی پول عبارت‌اند از ۳۳ کشور: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هنگ‌کنگ، ایسلند، رژیم اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لوگزامبورگ، مالت، هلند، نیوزلند، نروژ، پرتغال، سنگاپور، جمهوری اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایوان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا.
۲. ارائه داده‌های مربوط به این سه کشور برای تقویت استدلال ناظر به اثبات مسئله پژوهش است.

3. fiscal sociology
4. rentier effect
5. taxation effect
6. spending effect
7. group formation effect
8. repression effect
9. modernization effect
10. bounded rationality
11. absolute rationality
12. Beblawi

۱۳. این تعریف به معنای محدود کردن «توسعه» به افزایش تولید ناخالص داخلی نیست. توسعه مفهومی چندبعدی است که بعد اقتصادی فقط یکی از ابعاد آن است. از سوی دیگر، در بعد اقتصادی توسعه نیز این معرّف انحصاری نیست. معرّف‌های دیگری مانند شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد و شاخص بهره‌وری در کنار این معرّف می‌توانند گویای بعد اقتصادی توسعه باشند. از آنجا که این دو معرّف برای تمام سال‌های دوره پژوهش تولید نشده‌اند، در تحقیق حاضر از آن‌ها استفاده نشده است. از سوی دیگر، باید توجه داشت که در هر حال، افزایش تولید ناخالص داخلی شرط لازم بعد اقتصادی توسعه است. بر این مبنا، کمیسیون اروپا نیز رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه را معرّف اصلی (headline indicator) بعد اقتصادی توسعه معرفی کرده است (Statisticswww.epp.eurostat.europa.eu/).

۱۴. این شاخص با نام تولید ناخالص داخلی واقعی (حقیقی) (real GDP) نیز شناخته می‌شود.

۱۵. برای فهم قدرت واقعی اقتصادی ایران، ناگزیر از تحلیل توان اقتصادی این کشور با توجه به روند عمومی جهان و مقایسه با گروه‌های مختلف کشورهایی هستیم که از نظر توان اقتصادی در جایگاه‌هایی مشابه یا حتی متفاوت با ایران قرار دارند. چنین مقایسه‌ای (البته به معنای گام نهادن در مسیر مطالعه تطبیقی مورد ایران با دیگر موردها نیست) نشان می‌دهد تغییرات حاصل در قدرت اقتصادی ایران تا چه میزان با روند تحولات در قدرت اقتصادی کشورهای جهان هم‌راستا بوده است. این مقایسه گویای این است که تغییر پدیدآمده در قدرت اقتصادی ایران جایگاه این کشور را در رتبه‌بندی جهانی چگونه تغییر داده است. آیا این تغییرات در مسیر پر کردن شکاف ایران و توسعه‌یافتگی است یا در مسیری خلاف جهت توسعه حرکت کرده است؟

۱۶. گروه کشورهای دارای درآمد بالا شامل کشورهایی است که درآمد سرانه آن‌ها بیش از ۱۲۴۷۶ دلار است (وبگاه بانک جهانی).

۱۷. گروه کشورهای دارای درآمد متوسط رو به بالا شامل کشورهایی است که درآمد سرانه آن‌ها بین ۴۰۳۶ تا ۱۲۴۷۵ دلار است (وبگاه بانک جهانی).

۱۸. این گروه شامل کشورهای دارای درآمد متوسط رو به بالا و گروه کشورهای دارای درآمد متوسط رو به پایین (دارای درآمد بین ۱۰۲۶ تا ۴۰۳۵) است (وبگاه بانک جهانی).

۱۹. شامل کشورهای ترکیه، عربستان، پاکستان، مصر و رژیم صهیونیستی است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸: ۷).

۲۰. درمورد تطبیقی بودن مطالعات تاریخی، دو معیار ارائه شده است. برخی نوع داده‌ها و برخی نیز هدف پژوهش را ملاک تمایز این روش از سایر روش‌های تاریخی می‌دانند. بر مبنای نخست، اگر داده‌های قابل مقایسه حداقل در دو جامعه باشند، روش تطبیقی شرایط اطلاع دارد. بر مبنای دوم، زمانی که هدف مشخص کردن تمایزات و اشتراکات میان واحدهای اجتماعی کلان است، تحلیل تطبیقی شرایط اطلاع دارد (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۹۹؛ ریگین، ۱۳۸۸: ۳۱-۵۰).

21. particular event

22. universal event

23. descriptive analysis

24. explanatory analysis

۲۵. نمایندگان مجلس در ماده واحده برنامه، سقف اعتبارات عمرانی و جاری برنامه را با ۰.۱۴٪ کاهش، به رقم ۲۳۸/۱۸۶ میلیارد ریال رساندند.

۲۶. در این بند، نمایندگان ویژگی طراحی قبض‌های آب، برق، گاز و تلفن را ذکر کردند.

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

۲۷. البته، با توجه به اینکه کاهش سقف منابع و مصارف برنامه اندک و درحد ۰.۰۱۴٪ بود، نمی‌توان آن را تغییری جدی برای کاهش منابع برنامه دانست.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۵). *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: گام نو.
- اریاب، حمیدرضا (۱۳۸۸). *راهنمای شاخص‌های اقتصادی به‌همراه داده‌های ایران*. تهران: نص.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. تهران: قومس.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- بیت، ریچارد (۱۳۸۹). *نظریه‌های توسعه*. ترجمه مصطفی ازکیا، اسماعیل رحمان‌پور و رضا صفری شالی. تهران: نشر ویه.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۲). *بودجه‌ریزی در ایران (مسائل و چالش‌ها): منابع و مصارف*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رینگر، مونیکا (۱۳۸۵). *آموزش دین و گفت‌وگو میان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.
- ریگین، چارلز سی. (۱۳۸۸). *روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*. ترجمه محمد فاضلی. تهران: آگه.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸ الف). *لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)*. [تهران].
- _____ (۱۳۶۸ ب). *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)*. تهران.
- _____ (۱۳۷۳). *لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳-۱۳۷۷)*. [تهران].

- _____ (۱۳۷۴). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸). تهران.
- _____ (۱۳۷۸). لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳). تهران.
- _____ (۱۳۷۹). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳). تهران.
- ساعی، علی (۱۳۸۶). روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت انتقادی). تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۰). «منطق تحلیل تطبیقی تاریخی با رویکرد تحلیل بولی». فصلنامه علوم اجتماعی. ش ۵۴. صص ۱۲۸-۱۶۴.
- فرمانفرمائیان، خداداد (۱۳۸۱). توسعه در ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷ (خاطرات خداداد فرمانفرمائیان، عبدالمجید مجیدی و منوچهر گودرزی). ویراستار غلامرضا افخمی. تهران: گام نو.
- فوران، جان (۱۳۸۶). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب. ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات فرهنگی رسا.
- کاپوراسو، جیمز و دیوید پی. لوین (۱۳۸۷). نظریه‌های اقتصاد سیاسی. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: نشر ثالث.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۴). تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران. ترجمه علی‌رضا طیب. تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۶). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان پهلوی. ترجمه محمدرضا عزیزی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۹۱). ایران، جامعه کوتاه‌مدت و سه مقاله دیگر. تهران: نشر نی.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۵). نظام بودجه‌ریزی: مبانی نظری، سیر تحولات بین‌المللی، بررسی تطبیقی، تحولات نظام بودجه‌ریزی در ایران. تهران: مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- لفت‌ویچ، آدریان (۱۳۷۸). دموکراسی و توسعه. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو.

دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه ... _____ فائز دین‌پرست و همکار

- _____ (۱۳۸۵). *دولت‌های توسعه‌گرا: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه*. ترجمه جواد افشارکهن. مشهد: مرن‌دیز و نی‌نگار.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: صراط.
- کدی نیکی، آر. (۱۳۸۶). *ریشه‌های انقلاب ایران*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: علم.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۴). «مالک برنامه کیست؟». *سیاست‌نامه دولت مدرن* (ویژه‌نامه روزنامه شرق). ۵/ ۹/ ۸۴ صص ۳۶-۳۷.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). *سیاست*. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی.
- بانک مرکزی، بانک اطلاعاتی سری‌های زمانی اقتصادی، (۲۰ آذر ۱۳۹۰) دسترسی در: <http://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>
- Backhaus, J.G. (2004). "Schumpeter's Contributions in the Area of Fiscal Sociology First Approximation". *Journal of Evolutionary Economic*. Vol. 14. No. 2. Pp. 143-51.
- Baldwin, G.B. (1967). *Planning and Development in Iran*. Johns Hopkins Press.
- Beblawi, H. (1987). "The Rentier State in the Arab World" in H. Beblawi and G. Luciani (Eds.). *The Rentier State*. London: Croom Helm.
- Bhaskar, R. (1998). *The Possibility of Naturalism: A Philosophical Critique of the Contemporary Human Sciences*. London: Routledge.
- Bp. (2012). *Statistical Review Of World Energy 2012*. (Accessed 10 September 2012), Available at: www.bp.com sd.
- Mahdavy, H. (1970). "The Patterns and Problems of Economic Development in a Rentier State: The Case of Iran" in M.A. Cook (Ed.). *Studies in Economic History of the Middle East*. London: Oxford University Press.
- Mueller, D.C. (2003). *Public Choice III*. Cambridge: University of Cambridge.

- Ross, M. (2004). "Does Taxation Lead to Representation?" *British Journal of Political Science*. [Online] No. 34. Pp. 229-249, (Accessed 12 November 2010), Available at:
<http://www.sscnet.ucla.edu/polisci/faculty/ross/taxrep.pdf>
- Tullock, G. et al. (2002). *Government Failure: A Primer in Public Choice*. Washington D.C: Cato Institute.
- UNDP. (2011). *Human Development Report*. (Accessed 11 September 2012), Available from: www.Hdr.undp.orgken/reports/global/Hdr2009.
- www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2010/02